

(وَ مِنْ كَلَامٍ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ عِنْدَ تِلَاوَتِهِ يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ: أَدْحَضُ مَسْئُولٍ حُجَّةً، وَأَقْطَعُ مُغْتَرٍّ مَعْدِرَةً، لَقَدْ أَبْرَحَ جِهَالَةً بِنَفْسِهِ. يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا جَرَّأَكَ عَلَى ذَنْبِكَ، وَمَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ، وَمَا أَنْسَكَ بِهَلَاكَةِ نَفْسِكَ؟ أَمَا مِنْ دَائِكَ بُلُولٌ، أَمْ لَيْسَ مِنْ نَوْمِكَ يَقْظَةٌ؟ أَمَا تَرَحَّمُ مِنْ نَفْسِكَ مَا تَرَحَّمُ مِنْ غَيْرِكَ؟ فَلَرُبَّمَا تَرَى الضَّاحِيَ مِنْ حَرِّ الشَّمْسِ فَتُظِلُّهُ، أَوْ تَرَى الْمُبْتَلَى بِالْأَلَمِ يُمِضُّ جَسَدَهُ فَتَبْكِي رَحْمَةً لَهُ. فَمَا صَبَّرَكَ عَلَى دَائِكَ، وَجَلَّدَكَ بِمُصَابِكَ، وَعَزَّكَ عَنِ الْبُكَاءِ عَلَى نَفْسِكَ وَهِيَ أَعَزُّ النَّفْسِ عَلَيْكَ؟ وَكَيْفَ لَا يُوقِظُكَ خَوْفُ بَيَاتِ نِقْمَةٍ وَقَدْ تَوَرَّطْتَ بِمَعَاصِيهِ مَدَارِجَ سَطَوَاتِهِ. فَتَدَاوَى مِنْ دَاءِ الْفِتْرَةِ فِي قَلْبِكَ بَعَزِيمَةٍ، وَمِنْ كَرَى الْغَفْلَةِ فِي نَاطِرِكَ بِيَقْظَةٍ، وَكُنْ لِلَّهِ مُطِيعًا، وَبِذِكْرِهِ انْسَاءً، وَتَمَثَّلْ فِي حَالِ تَوَلَّيْكَ عَنْهُ إِقْبَالَهُ عَلَيْكَ، يَدْعُوكَ إِلَى عَفْوِهِ، وَيَتَعَمَّدُكَ بِفَضْلِهِ، وَأَنْتَ مُتَوَلِّئٌ عَنْهُ إِلَى غَيْرِهِ. فَتَعَالَى مِنْ قَوِيٍّ مَا أَكْرَمَهُ، وَتَوَاضَعْتَ مِنْ ضَعِيفٍ مَا أَجْرَأَكَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ، وَأَنْتَ فِي كَنْفِ سِتْرِهِ مُقِيمٌ، وَفِي سَعَةِ فَضْلِهِ مُتَقَلِّبٌ، فَلَمْ يَمْنَعَكَ فَضْلُهُ، وَلَمْ يَهْتِكْ عَنْكَ سِتْرَهُ، بَلْ لَمْ تَخُلْ مِنْ لُطْفِهِ مَطْرَفَ عَيْنٍ فِي نِعْمَةٍ يُحَدِّثُهَا لَكَ، أَوْ سَيِّئَةٍ يَسْتُرُهَا عَلَيْكَ، أَوْ بَلِيَّةٍ يَصْرِفُهَا عَنْكَ. فَمَا ظَنُّكَ بِهِ لَوْ أَطَعْتَهُ، وَابْتَدَأَ اللَّهُ لَوْ أَنَّ هَذِهِ الصِّفَةَ كَانَتْ فِي مُتَفَقِّهِينَ فِي الْقُوَّةِ، مُتَوَازِينَ فِي الْقُدْرَةِ، لَكُنْتَ أَوَّلَ حَاكِمٍ عَلَى نَفْسِكَ بِذِمِيمِ الْأَخْلَاقِ، وَمَسَاوِيءِ الْأَعْمَالِ. وَحَقًّا أَقُولُ مَا الدُّنْيَا غَرَّتْكَ، وَلَكِنْ بِهَا اغْتَرَّرْتَ، وَلَقَدْ كَاشَفْتُكَ الْعِظَاتِ، وَادْتَنَكَ عَلَى سَوَاءٍ، وَلَهِيَ بِمَا تَعِدُّكَ مِنْ نُزُولِ الْبَلَاءِ بِجِسْمِكَ، وَالنَّقْصِ فِي قُوَّتِكَ، أَصْدَقُ وَأَوْفَى مِنْ أَنْ تَكْذِبَكَ أَوْ تَغُرَّكَ، وَلَرُبَّ نَاصِحٍ لَهَا عِنْدَكَ مُتَهَمٌ، وَ

صَادِقٍ مِنْ خَيْرِهَا مُكَذِّبٌ، وَ لَئِنْ تَعَرَّفْتَهَا فِي الدِّيَارِ الْخَاوِيَةِ، وَ الرَّبُوعِ الْخَالِيَةِ،
لَتَجِدْنَهَا مِنْ حُسْنِ تَذْكَيرِكَ، وَ بِلَاغِ مَوْعِظَتِكَ، بِمَحَلَّةِ الشَّفِيقِ عَلَيْكَ، وَ الشَّحِيحِ
بِكَ، وَ لِنِعْمِ دَارٍ مَنْ لَمْ يَرْضَ بِهَا دَارًا، وَ مَحَلٍّ مَنْ لَمْ يُوطَّنْهَا مَحَلًّا، وَ إِنَّ السُّعْدَاءَ
بِالدُّنْيَا غَدًا هُمُ الْهَارِبُونَ مِنْهَا الْيَوْمَ. إِذَا رَجَفَتِ الرَّاجِفَةُ، وَ حَقَّتْ بِجَلَالِهَا الْقِيَامَةُ،
وَ لَحِقَ بِكُلِّ مَنْسَكٍ أَهْلُهُ، وَ بِكُلِّ مَعْبُودٍ عَبْدَتُهُ، وَ بِكُلِّ مُطَاعٍ أَهْلُ طَاعَتِهِ، فَلَمْ
يَجْرُ فِي عَدْلِهِ وَ قِسْطِهِ يَوْمَئِذٍ خَرَقُ بَصَرٍ فِي الْهَوَاءِ، وَ لَا هَمْسُ قَدَمٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا
بِحَقِّهِ. فَكَمْ حُجَّةٌ يَوْمَ ذَاكَ دَاحِضَةٌ، وَ عَلَائِقُ عُذْرٍ مُنْقَطِعَةٌ! فَتَحَرَّ مِنْ أَمْرِكَ مَا
يُقُومُ بِهِ عُذْرُكَ، وَ تَثَبَّتْ بِهِ حُجَّتُكَ، وَ خُذْ مَا يَبْقَى لَكَ مِمَّا لَا تَبْقَى لَهُ، وَ تَيْسَّرْ
لِسَفَرِكَ، وَ شِمِّ بَرَقَ النِّجَاهِ، وَ ارْحَلْ مَطَايَا التَّشْمِيرِ.

تلاوت یا ایها الانسان...

هشدار از غرور زدگیها

برهان گناهکار، نادرست‌ترین برهان‌ها است، و عذرش از توجیه هر فریب
خورده‌ای بی‌اساس‌تر، و خوشحالی او از عدم آگاهی است. ای انسان! چه چیز
تو را بر گناه جرات داده؟ و در برابر پروردگار مغرور ساخته؟ و بر نابودی خود
علاقمند کرده است؟ آیا بیماری تو را درمان نیست؟ و خوابزدگی تو بیداری

ندارد؟ چرا آنگونه که به دیگران رحم می‌کنی، به خود رحم نمی‌کنی؟ چه بسا کسی را در آفتاب سوزان می‌بینی بر او سایه می‌افکنی یا بیماری را بنگری که سخت ناتوان است، از روی دلسوزی بر او اشک می‌ریزی، چه چیز تو را بر بیماری خود بی تفاوت کرده؟ و بر مصیبت‌های خود شکیا و از گریه بر حال خویشتن باز داشته است؟ در حالی که هیچ چیز برای تو عزیزتر از جانت نیست! چگونه ترس از فرود آمدن بلا، شب هنگام تو را بیدار نکرده است؟ که در گناه غوطه‌ور، و در پنجه قهر الهی مبتلا شده‌ای؟

چگونه بودن

پس سستی دل را با استقامت درمان کن، و خوابزدگی چشمانت را با بیداری برطرف کن، و اطاعت خدا را بپذیر، و با یاد خدا انس گیر، و یاد آر که تو از خدا روی گردانی و در همان لحظه او روی به تو دارد، و تو را به عفو خویش می‌خواند، و با کرم خویش می‌پوشاند! در حالی که تو از خدا بریده و به غیر خدا توجه داری! پس چه نیرومند و بزرگوار است خدا! و چه ناتوان و بی‌مقداری تو، که بر عصیان او جرات داری، در حالی که تو را در پرتو نعمت خود قرار داده، و در گستره رحمت او آرمیده‌ای، نه بخشش خود را از تو گرفته، و نه پرده اسرار تو را دریده است. بلکه چشم بر هم زدنی، بی‌احساس خدا زنده نبود، یا در نعمت‌های او غرق بودی، یا گناهان تو پرده‌پوشی شد، و یا بلا و مصیبتی را از تو دور ساخته است، پس چه فکر می‌کنی! اگر او را اطاعت کنی؟ بخدا سوگند! اگر این رفتار میان دو نفر که در توانایی و قدرت برابر بودند وجود

داشت تو نخستین کسی بودی که خود را محکوم می‌کردی، بر زشتی اخلاق و نادرستی کردار.

دنیاشناسی

به حق می‌گویم که دنیا تو را فریفته است، که تو خود فریفته دنیایی، دنیا عبرت‌ها را برای تو آشکار کرده، و تو را به تساوی دعوت کرد، دنیا با دردهایی که در جسم تو می‌گذارد، و با کاهشی که در توانایی تو ایجاد می‌کند، راستگوتر از آن است که به تو دروغ بگوید، و یا مغرورت سازد. چه بسا نصیحت‌کننده‌ای از سوی دنیا را متهم نمودی، و راستگویی را دروغگو پنداشتی، اگر دنیا را از روی شهرهای ویران‌شده، و خانه‌های درهم فرو ریخته بشناسی، آن را یادآوری دلسوز، و اندرزدهنده‌ای گویا می‌یابی که چونان دوستی مهربان از تباهی و نابودی تو نگران است. دنیا چه خوب خانه‌ای است برای آن کس که آنرا جاودانه نپندارد، و خوب محلی است برای آن کس که آن را وطن خویش انتخاب نکند، سعادت‌مندان به وسیله دنیا در قیامت کسانی هستند که امروز از آن می‌گریزند.

انسان و رستاخیز

آنگاه که زمین سخت بلرزد، و نشانه‌های هولناک قیامت تحقق پذیرد، و پیروان هر دینی به آن ملحق شوند، و هر پرستش‌کننده به معبود خود، و هر اطاعت

کننده‌ای به فرمانده خود رسد، نه چشمی بر خلاف عدالت و برابری در هوا گشوده، و نه قدمی برخلاف حق، آهسته در زمین نهاده می‌شود، در آن روز چه دلیلهایی که باطل می‌گردد، و عذرهایی که پذیرفته نمی‌شود! پس در جستجوی عذری باشید که پذیرفته شود، و دلیلی بجوئید که استوار باشد، و از دنیای فانی برای آخرت جاویدان توشه بردار، و برای سفر آخرت وسائل لازم را آماده کن، و چشم به برق نجات بدوز، و بار سفر ببرند.